

واکاوی حقیقت عالم برزخ

رضا رستمی زاده*

حلیمه محمدی**

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۵

چکیده

خداوند در قرآن از زاویه‌های مختلف به مسئله حیات پس از مرگ، عالم برزخ و جهان آخرت پرداخته است؛ از این میان می‌توان حداقل بیست آیه را یافت که بر جهان برزخی دلالت دارد و از مجموع این آیات حقیقت وجود عالم برزخ تا حد زیادی روشن می‌شود. این پژوهش در صدد بررسی عالم برزخ در آیات مذکور است، که از یک طرف ذهن مخاطب را به حقیقت عالم برزخ متوجه می‌کند، و از طرف دیگر در ساماندهی اعمال و رفتارشان که تعیین‌کننده وضعیت او در عالم برزخ است نقشی اساسی دارد؛ لذا در این راستا به مفهوم‌شناسی برزخ، تفسیر، شرح و توضیح آیات مربوط به این موضوع، فلسفه برزخ، و در نهایت بهشت و جهنم برزخی و تفاوت آن با بهشت و جهنم رستاخیز به منظور بیان حالت‌های آن عالم اشاره می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، دنیا، برزخ، جهنم برزخی، بهشت برزخی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان (استادیار).

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید باهنر کرمان. mohamadi25@ymail.com

نویسنده مسؤول: حلیمه محمدی

مقدمه

انسان به عنوان اشرف مخلوقات در میان موجودات عالم، دائم در حال حرکت و تکاپوی جهت‌دار بوده و به سوی مقصدی شایسته پیش می‌رود؛ از جمله تمایزهای آدمی از سایر موجودات عالم طبیعت، شوق وی به کشف اسرار وجود و آشنایی با هستی پر رمز و راز است. آدمی تنها موجودی است که می‌داند می‌میرد و این آگاهی می‌تواند باعث شود که حساسیت ویژه‌ای نسبت به زندگی، مرگ و عواقب پس از مرگ داشته باشد و سؤالاتی برایش پیش می‌آید که در این راستا بهترین منبع جهت پاسخ‌گویی به آن‌ها می‌تواند قرآن باشد.

ما نیز برای دریافت و درک حقایق عالم برزخ از آیات قرآن کریم، که به تفصیل درباره انسان و سرنوشت وی پس از مرگ گفتارهایی دارد استفاده می‌کنیم؛ البته در کنار آیات می‌توان از روایات بهره جست اما اصل و اساس همان آیات است. هر چند که موضوع برزخ و حیات پس از مرگ در کتب زیادی مورد بحث و تحلیل قرار گرفته ولی در اکثر آن‌ها این بحث در سایه موضوع قیامت و رستاخیز مطرح شده، و به عنوان بحثی مستقل کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر به مفهوم‌شناسی برزخ و اثبات آن از دیدگاه قرآن، فلسفه برزخ و ... پرداخته است؛ مطالب مورد نیاز از درون منابع متقدمان و متأخران در حد توان با توجه به چارچوب تحقیق استخراج، و به دسته‌بندی آن‌ها پرداخته شده و مورد تحلیل و نقد و بررسی قرار گرفته است.

مفهوم‌شناسی برزخ

لغت‌شناسان «برزخ» را به معنای حد و فاصل بین دو چیز آورده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۲۹؛ ابن منظور، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۶۸؛ جوهری، ۱۴۰۴، ج ۱: ۴۱۹)، و گویا این واژه معرب است و اصل آن «برزه» بوده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۱۸)، گرچه برخی آن را واژه عربی اصیل و ثلاثی مزید معرفی نموده‌اند که حرف «خا» در آن برگردان «هاء» بوده و زائده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۳۱).

این واژه در قرآن در سه مورد زیر به کار رفته است:

﴿يَتَّبِعُهُمُ بَرزَخٌ لَّا يَبْغِيان﴾ (الرحمن / ۲۰)

﴿وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا﴾ (الفرقان/۵۳)

﴿مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ (مؤمنون/۱۰۰)

که در دو آیه نخست به معنای جداکننده دو دریای شور و شیرین از یگدیگر، و در آیه سوم به معنای فاصله میان مرگ و رستاخیز یا عالمی بین دنیا و آخرت می‌باشد.

أ. برزخ در اصطلاح مفسران

برزخ در اصطلاح به معنای فاصله بین دنیا و آخرت، و گذرگاه رسیدن به جهان آخرت است. مفسران شیعه و سنی در تعریف واژه برزخ آرای نزدیک به هم دارند، که برای آگاهی بیش‌تر به صورت گذرا از آن‌ها یاد می‌کنیم:

«فی ظلال القرآن»: ایشان نه از اهل دنیا و نه از اهل آخرت هستند، و در حقیقت آنان تا قیامت در همان برزخ عالمی میان جهان مادی و دنیای آخرت می‌باشند (شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۴۸۱).
«نور الثقلین»: برزخ امری بین دو امر، یعنی ثواب و عقاب بین دنیا و آخرت (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۵۳)
«تفسیر قمی»: برزخ به معنای میان دو چیز است، و منظور از آن ثواب و عقاب ما بین دنیا و آخرت است و این پاسخی است به کسانی که منکر ثواب و عقاب قبل از روز قیامت بوده‌اند (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۹۴).

«تفسیر شریف لاهیجی»: و از پیش این مشرکان واسطه‌ای است میان دنیا و آخرت، که آن قبری است و ایشان در آنجا خواهند بود تا روزی که برانگیخته شوند (لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۲۵۰).
«البرهان»: برزخ عبارت است از امر بین دو امر، و آن عبارت است از ثواب و عقاب بین دنیا و آخرت و آن پاسخی است بر کسانی که منکر عذاب قبر و عقاب قبل قیامت هستند (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۳۶).

«تفسیر سورآبادی»: و فراییش ایشان حجابی است - به معنی گور و عذاب آن - تا آن روز که ایشان را برانگیزند، گور را برزخ می‌خوانند زیرا که واسطه‌ای است میان این جهان و آن جهان؛ و این آیه حجت است برای اثبات عذاب قبر (سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۶۵۴).

«مجمع البیان»: ۱. واسطه و فاصله میان مرگ تا برانگیختن از قبر، ۲. واسطه و فاصله میان مردگان و اهل دنیا تا روز قیامت، ۳. فاصله و مدت زمان قبر تا روز قیامت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۸۷: ۷).

«المیزان»: کلمه "برزخ" به معنای واسطه میان دو چیز است، و منظور از آن عالم قبر است که عالم مثال می‌باشد، و مردم بعد از مرگ در آن عالم زندگی می‌کنند تا قیامت فرا برسد. این آن معنایی است که از سیاق آیه و روایاتی که از طریق شیعه و سنی رسیده بر آن دلالت دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۶۸).

ب. فلسفه برزخ

زندگی دنیایی محلی برای ظهور و پرورش استعدادهای آدمی است، تا بتواند جایگاه خود را در دنیای دیگر مشخص نماید (طارق/ ۵-۹: آل عمران/ ۱۳۳): از این رو آخرت نیز محل نتیجه‌گیری قابلیت‌های فراهم‌شده در زندگی دنیایی است. با این وصف باید بپذیریم وجود جهانی ما بین این دو دنیا، که محلی برای به ثمر نشستن برخی از استعدادهای ما باشد، که در زندگی دنیایی به آن دست نیافته‌ایم و به عنوان مقدمه‌ای برای جهان آخرت ضروری است، زیرا در غیر این صورت، مستلزم نقص عالم تکوین است که امری محال است.

در روایتی از امام موسی بن جعفر (ع) می‌خوانیم: «هر کس از دوستان و پیروان ما بمیرد، و هنوز قرآن را به‌طور کامل فرا نگرفته باشد، در قبرش به او تعلیم می‌دهند، تا خداوند بدین وسیله درجاتش را بالا ببرد، چراکه درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است، به او گفته می‌شود بخوان و بالا برو. او می‌خواند و بالا می‌رود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۶۰۶).

در همین راستا یکی از صاحب‌نظران در این باره می‌گوید: «یکی از فلسفه‌های وجود عالم برزخ این است که در آن پاره‌ای از کمبودهای تعلیم و تربیت مؤمنان جبران می‌گردد، درست است که آنجا جای عمل صالح نیست، ولی چه مانعی دارد که محل معرفت بیش‌تر و آگاهی و تکامل افزون‌تر گردد (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۱: ۱۴۴).

ج. حقیقت عالم برزخ در قرآن

وجود عالم برزخ از طریق آیات قرآن، روایات، عقل و شواهد عینی قابل اثبات است؛ در اینجا دلیل عمده ما آیات قرآن و روایات است، اما اختلاف میان علماء در این است که چند آیه از قرآن کریم مربوط به عالم برزخ می‌باشد، که در نهایت با مراجعه به قرآن کریم می‌توان حدود بیست آیه را معرفی نمود که دلالت بر جهان برزخی دارند. منتهی در بعضی آیات به طور مستقیم لفظ برزخ به کار رفته، و در بعضی دیگر بدون داشتن لفظ برزخ تنها از طریق معنا و مفهوم دلالت بر عالم برزخ دارد که به هر دو مورد اشاره می‌شود.

۱. آیه‌ای که به‌طور صریح و روشن با لفظ برزخ حیات برزخی را معرفی می‌کند، و بحث را از چگونگی وضع مشرکان و کفار و ظالمان آغاز کرده، در این باره قرآن می‌فرماید:

﴿وَمِنْ وَّرَائِهِمْ بَرَزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾

«و پیشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد».

مرحوم علامه در تفسیر این آیه چنین گفته است: «کلمه "برزخ" به معنای واسطه میان دو چیز است، و منظور از آن عالم قبر است که عالم مثال می‌باشد، و مردم بعد از مرگ در آن عالم زندگی می‌کنند تا قیامت فرا برسد. این آن معنایی است که سیاق آیه و روایاتی که از طریق شیعه و سنی رسیده بر آن دلالت دارد. بنابراین آیه فوق به روشنی اشاره به وجود عالمی بین دنیا و آخرت می‌کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۶۸).

در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم که فرمودند: «به خدا! بر شما نمی‌ترسم جز از برزختان؛ ولی وقتی در قیامت کار به ما منتهی شد ما سزاوارتریم به شما (رعایت حال شما را خواهیم کرد)» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۹۴).

در «اصول کافی» نقل شده است که به امام صادق (ع) عرض شد: آیا شما فرموده‌اید تمام شیعیان ما با وجود همه آنچه از آنان صادر شده است (از گناهان و خطاها) در بهشت خواهند بود؟ حضرت فرمود: «راست گفته‌ام قسم به خدا! همه‌شان در بهشت خواهند بود». گفته شد: آنان دارای گناهان زیاد و بزرگ هستند؟ فرمود: «در قیامت همه شما با شفاعت پیامبر اکرم (ص) که (در آنجا) فرمان‌رواست یا وصی پیامبر (ص) در بهشت هستید؛ ولی قسم به خدا! بر شما از برزخ

می ترسم». گفته شد: برزخ چیست؟ فرمود: «قبر از هنگام مردن تا روز قیامت» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۲۴۲).

۲. آیاتی که بدون داشتن لفظ برزخ تنها از طریق معنا دلالت بر وجود عالم برزخ دارد که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

ا. آیه:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ (بقره/۱۵۴)

«و کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند را مرده نخوانید بلکه زنده‌اند ولی شما نمی‌دانید».

«در اسباب نزول این آیه آمده است: مشرکان قریش می‌گفتند یاران محمد(ص) بی دلیل خود را در جنگ‌ها به کشتن می‌دهند و می‌میرند و به فنا می‌روند، خداوند در این آیه به صراحت آنان را "أحیاء" می‌نامد و می‌فرماید به فنا و بطلان کشتگان در راه خدا باور نداشته باشید؛ بلکه آنان زنده‌اند ولی حواس شما این حقیقت را در نمی‌یابد» (سبحانی، بی تا: ۳۱).

این آیه روی سخن را به همه مؤمنان کرده و می‌فرماید: آنان که به خدا و رسول و روز جزا ایمان دارند و معتقدند که بعد از زندگی دنیا زندگی دیگری است از چنین کسانی انتظار نمی‌رود که بگویند: آن‌هایی که در راه خدا کشته شده‌اند از بین رفته‌اند، با اینکه دعوت حقه دین را اجابت کرده‌اند و آیات بسیاری از قرآن را که درباره معاد صحبت می‌کند شنیده‌اند. علاوه بر اینکه آیه شریفه سخنش درباره عموم مردم نیست؛ بلکه برای خصوص شهداء است که در راه خدا کشته شده‌اند، خبر از زندگی بعد از مرگ نیز می‌دهد و این خبر را به مؤمنان که هنوز شهید نشده‌اند و به همه کفار می‌دهد، با اینکه زندگی بعد از مرگ اختصاص به شهیدان ندارد، شهید، مؤمن غیر شهید و کفار، همه این زندگی را دارند.

ب. آیه:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (آل عمران/۱۷۰)

«هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمان‌اند، و برای کسانی که از پی ایشان‌اند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند».

«این آیات صراحت تام به بقای ارواح بعد از جداشدن از بدن دارد، که در چهار بخش این حقیقت آشکار می‌شود: ۱. أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ، ۲. يُرْزَقُونَ، ۳. فَرِحِينَ، ۴. وَيَسْتَبْشِرُونَ؛ بخش اول که به زنده‌بودن آنان صراحت دارد، بخش دوم به متنعم‌بودن آنان از نعمت‌های الهی، و بخش سوم و چهارم به نعمت‌های روحی و معنوی اشاره دارد؛ هم‌چنین عبارت شریفه «يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ» نیز دلیل دیگری بر وجود حیات برزخی است که قبل از روز رستاخیز است، یعنی به انسان‌هایی که هنوز به آنان ملحق نشده‌اند و در صحنه جهاد هستند مژده می‌دهند و دل آنان را در جنگ علیه باطل ثبات و استحکام می‌بخشند» (سبحانی، بی‌تا: ۳۲). بنابراین این آیه برای شهدا نوعی زندگی برزخی را ثابت می‌کند، که نه دنیوی است و نه اخروی و تا روز قیامت وجود دارد.

ج. آیه:

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ إِذْ خَلُّوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (نحل/ ۳۲)

«همان کسانی که فرشتگان جان‌شان را در حالی که پاک‌اند می‌ستانند و به (آنان) می‌گویند درود بر شما باد، به (پاداش) آنچه انجام می‌دادید به بهشت درآید».

این آیه شریفه بیانگر وضع انسان‌های پاک و باتقوا، در هنگام مرگ و پس از مرگ است که گفت‌وگوهای بین فرشتگان و آنان صورت می‌گیرد، و آنان ملائکه الهی را در برزخ و به وقت مرگ ملاقات خواهند کرد. مسلم است که این امر بدون شعور و آگاهی بی‌معناست.

بر اساس سخن / امیر مؤمنان (ع) که در ذیل این آیه آمده است، استفاده می‌گردد که مراد از «الْجَنَّةَ» در آیه بالا بهشت برزخی است.

از / امیر مؤمنان (ع) روایت شده است که فرمود: «هیچ‌کس نمی‌میرد مگر اینکه مسیر حرکت خود را می‌داند که به سوی بهشت است یا جهنم، و اینکه می‌داند آیا جزء دشمنان خداوند است یا

دوستان او؟ پس اگر از اولیاء الهی شد، درهای بهشت بر او باز می‌گردد و مسیر او برایش مشخص گردیده است و در بهشت به همه نعمت‌هایی که خداوند به او عنایت فرموده است، نظر می‌نماید و از هرگونه سرگرمی و اشتغال فارغ می‌گردد و همه بارهای سنگین از دوشش برداشته می‌شود؛ اما اگر از دشمنان الهی باشد درهای جهنم بر روی او باز می‌گردد و مسیر و عاقبت او کاملاً واضح و آشکار است و می‌بیند آنچه را که خدا برایش آماده نموده است، و به استقبال سختی‌ها و شقاوت‌های خویش می‌رود. همه شر و بدی‌ها به یکباره بر او نازل می‌گردد و البته همه این حالات در هنگام مرگ برایش جلوه می‌کند و در آن لحظه به مرحله یقین می‌رسد (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۱۳۳).

د.آیه:

﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمي يَعْلَمُونَ ﴿۲۷﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿۲۸﴾﴾ (یس/ ۲۷)

«(سرانجام به جرم ایمان کشته شد، و بدو) گفته شد به بهشت درآی. گفت ای کاش قوم من می‌دانستند که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و در زمره عزیزانم قرار داد.»

این آیه اشاره به فرد مؤمنی (حبیب نجار) است که در برابر مشرکان و بت پرستان مبارزه کرد، اما تبلیغات او کارساز نبود و با او مخالفت کردند، و در نهایت سخنان او نه تنها اثر مثبتی نگذاشت بلکه چنان آتش کینه در دل‌های آنان برافروخت، که با بی‌رحمی او را سنگ‌باران کردند و روحش به آسمان پرواز کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۳۵۳).

قرآن این حقیقت را با جمله جالبی بیان کرده، می‌گوید: «به او گفته شد وارد بهشت شو»، که این تعبیر نشان می‌دهد بین شهادت این فرد مؤمن و ورودش به بهشت فاصله چندانی نبوده، بلکه کشته‌شدنش همان و دستور ورود به بهشت همان؛ لذا قرآن در تعبیرش به جای شهادت او دخول او را در بهشت بیان کرده. بنابراین هم از ظاهر آیه و هم از سیاق کلام فهمیده می‌شود که منظور از بهشت، بهشت برزخی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۷۹).

همچنین آیه دلالتی آشکار بر بقای نفس و ادراک و شعور در عالم برزخ دارد، چون آن مؤمن آرزو می‌کند که قومش در دنیا از سرنوشتش آگاه شوند، و بدانند که خداوند او را مورد رحمت خویش قرار داده؛ بنابراین منظور از جنت در این آیه بهشت برزخی است نه بهشت آخرت (سبحانی، بی تا: ۳۶). پس می‌توان گفت بهشت و دوزخ دیگری در عالم برزخ است که نمونه‌ای از بهشت و دوزخ رستاخیز می‌باشد.

هـ. آیه:

﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾ (مریم/۶۲)

«در آنجا سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند، جز درود. و روزی‌شان صبح و شام در آنجا (آماده) است.»

این آیه یکی از خصوصی‌ترین صفات بهشت را بیان می‌کند که در آنجا سخن زاید و بیهوده شنیده نمی‌شود، و خدای تعالی با این نعمت در چند جا منت نهاده است (سوره نبأ/۳۱-۳۲؛ واقعه/۲۴-۲۶؛ فرقان/۷۵-۷۶)، و این هشدار است بر اینکه دوری از لغو در دنیا امر واجبی است؛ زیرا خداوند خانه بهشت و بشارت فرشتگان بر آدمی را انعکاس عملکرد آنان در دنیا می‌داند. «هر صبح و شام روزی آن‌ها در بهشت برایشان مهیاست»؛ این جمله دو سؤال را برمی‌انگیزد:

نخست اینکه: آیا در بهشت صبح و شام وجود دارد؟ بله این صبح و شام به بهشتیان جهان برزخی مربوط است؛ زیرا بهشت جهان اخروی، خورشید و ماه ندارد که موجب صبح و شب گردد به خاطر اینکه خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا﴾ (دهر/۱۳)

«در آنجا (قیامت) نه آفتابی بینند و نه سرمایی.»

اما از آیات قرآن به خوبی استفاده می‌شود که بهشتیان هرچه بخواهند از نعمت‌ها در اختیارشان همیشه و در هر ساعت وجود دارد، این چه رزقی است که فقط صبح و شام به سراغ آن‌ها می‌آید؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۰۷)

پاسخ این سؤال را از روایتی که از پیامبر(ص) نقل شده می‌توان دریافت آنجا که می‌فرماید: «وَتَأْتِيهِمْ طَرَفَا لِهْدَايَا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ الَّتِي كَانُوا يَصِلُونَ فِيهَا فِي الدُّنْيَا»: «هدایای جالب و نخبه از سوی خداوند بزرگ در اوقاتی که در این دنیا نماز می‌خواندند به آن‌ها در بهشت می‌رسد» (الوسی، ۱۴۱۵، ج ۸: ۴۳۰).

و.آیه:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ (طه/۱۲۴)

«و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم».

آیه فوق درباره کیفر بدکاران و گنهکاران می‌باشد که بر سه مرحله از حیات دلالت دارد: ۱. مرحله «مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي» است که مقصود از آن حیات دنیوی است؛ زیرا تنها جایی که امکان اعراض از ذکر خدا وجود دارد دنیاست. ۲. مرحله «مَعِيشَةً ضَنْكًا» است که به خاطر وجود جمله «وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» دلالت بر حیات در عالم برزخ می‌کند. ۳. مرحله «وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» است که حکایت از حیات روز قیامت می‌کند (مظاهری، ۱۳۸۸: ۸۳).

در تفسیر این آیه مرحوم طباطبایی می‌نویسد: «کلمه "ضنک" در هر چیزی که به کار رود تنگی آن را می‌رساند، لذا کسی که ذکر خدا را فراموش کند زندگی سختی خواهد داشت؛ چون دنیا را هدف نهایی خود قرار داده و به آن دلبسته شده، چنین فردی زندگی آرام نخواهد داشت و هرچه به دست آورد قانع نمی‌شود و حرص و تشنگی‌اش به جایی منتهی نمی‌شود. پس چنین کسی دائماً در فقر و تنگی به سر می‌برد، و صرف نظر از غم و اندوه و اضطراب و ترسی که از نزول آفات و روی آوردن ناملايمات و فرار سیدن مرگ و بیماری دارد، پیوسته در میان آرزوهای برآورده نشده و ترس از فراق آنچه برآورده شده به سر می‌برد. در حالی که اگر مقام پروردگار خود را می‌شناخت و او را فراموش نمی‌کرد، یقین می‌کرد که نزد پروردگار خود حیاتی دارد که آمیخته با مرگ نیست و ملکی دارد که زوال‌پذیر نیست، و به این نتیجه می‌رسید که زندگی دنیایی در مقابل آخرت پشیزی بیش نیست.

اگر او این را بشناسد دلش به آنچه خدا تقدیرش کرده قانع می‌شود، و معیشتش هرچه باشد برایش فراخ می‌گردد و دیگر روی تنگی و سختی را نمی‌بیند. ایشان رابطه این آیه با عذاب عالم برزخ را در تأیید سخن بعضی از مفسران می‌فرماید: «عذاب قبر هم یکی از مصادیق آن است چون آیه شریفه متعرض دو نشانه شده جمله «فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» متعرض بیان حال کفار در دنیا و جمله «وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» متعرض حال آنان در آخرت است، پس ناگزیر باید گفت زندگی برزخ دنباله زندگی دنیا است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۲۲۴).

در «مجمع البیان» در ذیل جمله «فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» آمده که بعضی گفته‌اند: «مقصود از آن عذاب قبر است و این قول را از ابن مسعود و ابی سعید خدری و سدی نقل کرده‌اند و بوهریره نیز آن را به طور مرفوعه روایت کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۵۵).
از امام صادق (ع) نقل شده درباره آیه «مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي» فرمود: مقصود ولایت امیرمؤمنان (ع) است و منظور از آیه «وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» کسی است که چشمش در آخرت کور است، همان طور که در دنیا دلش از ولایت امیرمؤمنان (ع) کور بود و در قیامت سرگردان است (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۳۲۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۷۸۴).
ز. آیه:

﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ۗ وَإِنَّ يَسْحَاجُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ﴾ (غافر/ ۴۶-۴۷)

«(اینک هر) صبح و شام بر آتش عرضه می‌شوند، و روزی که رستاخیز برپا شود فریاد می‌رسد که فرعونیان را در سخت‌ترین (انواع) عذاب درآورید. و آنگاه که در آتش شروع به آوردن حجت می‌کنند، زیردستان به کسانی که گردنکش بودند می‌گویند ما پیرو شما بودیم پس آیا می‌توانید پاره‌ای از این آتش را از ما دفع کنید».

این آیه شریفه به چند نکته اشاره می‌کند: نکته اول اینکه ابتدا به دودمان فرعون هر صبح و شام آتش عرضه می‌شود، و سپس آنان در آن داخل می‌شوند. بنابراین عرضه‌شدن آتش بر

آل فرعون در مرحله‌ای غیر از مرحله داخل شدن در آن اتفاق می‌افتد؛ همچون کابوس ترسناکی که فرد در خواب ببیند و از آن عذاب کشد. نکته دوم با توجه به پایان آیه که می‌فرماید: روز قیامت آنان را به سخت‌ترین عذاب درآورید» فهمیده می‌شود که عرضه کردن آل فرعون بر آتش در عالمی قبل از قیامت صورت می‌گیرد، و آن عالم برزخ است که فاصله بین دنیا و آخرت است.

نکته سوم اینکه شکنجه در برزخ یا شکنجه در قیامت به وسیله آتش صورت می‌گیرد، با این تفاوت که اهل برزخ از دیدن و عرضه شدن آتش بر آنان رنج می‌برند، و از حرارت دردناک در عذاب‌اند، و اهل قیامت در داخل آن قرار می‌گیرند. این مجازات در برزخ صبح و شام است و در قیامت مستمر و دائم (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۳۳۵).

حدیثی از پیامبر اکرم (ص) در این زمینه نقل شده که می‌فرماید: «هنگامی که یکی از شما از دنیا برود جایگاه او صبح و شام به او عرضه می‌شود، اگر از اهل بهشت باشد جایگاهش در بهشت است و اگر از اهل دوزخ باشد جایگاهش در دوزخ است؛ و به هر کدام گفته می‌شود این جایگاه تو است هنگامی که خداوند تو را در قیامت مبعوث می‌کند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۸۱۸).

از مجموع این سخنان چنین می‌توان نتیجه گرفت، که زمان صبح و شامی که در آیه آمده است با گذر زمان در قیامت متفاوت است، و چه‌بسا که منظور همان دوران برزخ است. بنابراین وضع حال برزخ و برزخیان با دنیا بیش‌تر قابل جمع است.

ح. آیه:

﴿قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ﴾ (غافر/ ۱۱)

«می‌گویند پروردگارا، دو بار ما را به مرگ رسانیدی و دو بار ما را زنده گردانیدی.

به گناهان مان اعتراف کردیم پس آیا راه بیرون‌شدنی (از آتش) هست؟»

دلالت این آیه بر وجود جهان برزخ از این نظر است که تصور دو مرگ و دو حیات بدون قبول عالم برزخ ممکن نیست، مرگ از این زندگی دنیا و سپس حیات برزخی و باز مرگ از حیات برزخی و سپس زندگی در عالم آخرت؛ بنابراین میراندن در آخرین روز زندگی دنیا و زنده کردن در برزخ است و سپس میراندن از برزخ و زنده کردن در قیامت برای حساب است.

پس آیه شریفه که سخن از دو میراندن و دو زنده کردن دارد، اشاره به میراندن بعد از زندگی دنیا و میراندن بعد از زندگی در برزخ و احیای در برزخ و احیای در قیامت می‌کند؛ چون اگر زندگی در برزخ نبود، دیگر میراندن دومی تصور صحیحی نداشت؛ چون هم میراندن باید بعد از زندگی باشد و هم احیا باید بعد از مردن و هر یک از این دو باید مسبوق به خلافت باشد و گرنه "اماته" و "احیاء" نمی‌شود.

در نتیجه زندگی دارای سه مرحله می‌شود: یکی زندگی در دنیا، دوم در برزخ، سوم در قیامت و کفار در این کلام خود متعرض حیات دنیوی نشده‌اند و گرنه می‌بایستی گفته باشند: «و اُحییتنا ثلاثاً»: «و ما را سه زندگی دادی». با اینکه زندگی دنیا هم احیا بود؛ برای اینکه این زندگی هم بعد از مرگ، یعنی بعد از دورانی واقع شده که هنوز روح در بدن دمیده نشده است.

علتش این است که: مرادشان از احیا آن احیایی بوده که باعث پیداشدن یقین به معاد گشته، و آن عبارت است از احیای در برزخ و احیای در قیامت؛ اما زندگی دنیا هرچند که آن هم احیا است و لیکن به خودی خود باعث پیداشدن یقین به معاد نیست، به شهادت اینکه کفار تا چندی که در دنیا بودند نسبت به معاد در شک و تردید بودند، باین بیان فساد آن اعتراضی که به این بحث شده روشن می‌گردد که اگر مراد از دو احیا، احیا در برزخ و احیای در قیامت باشد باید می‌گفتند: «امتنا اثنتین و اُحییتنا ثلاثاً» چون منظور شمردن مرگ‌ها و زندگی‌هایی است که بر آنان گذشته و آن عبارت است از دو اماته و سه احیاء. وجه فسادش همان است که گفتیم: منظور تنها شمردن مطلق اماته‌ها و احیاء‌هایی که بر آنان گذشته نبوده، بلکه آن اماته و احیایی منظور بوده که در حصول یقین برای آنان دخالت داشته و احیای در دنیا چنین دخالتی نداشته است.

بعضی از مفسران گفته‌اند: «مراد از "اماته" اولی دوران قبل از انعقاد نطفه، و "اماته" ای است که باعث آغاز تولد انسان جدید می‌شود، و آن وقتی که هنوز روح در آن دمیده نشده و مراد از "احیاء" اولی حالت آدمی بعد از دمیده شدن روح در کالبد است، و مراد از "اماته" دوم اماته در دنیا و قبض روح است و مراد از "احیاء" دوم احیاء برای روز قیامت و حساب است؛ گویندگان این توجیه و تفسیر وقتی احساس کردند که کلمه "اماته" یعنی میراندن بر حالت نطفگی آدمی، یعنی حالت قبل از دمیده شدن روح در آن صدق نمی‌کند، چون میراندن وقتی صحیح است که قبلاً

حیاتی باشد، لذا در مقام رفع و رجوع این اشکال برآمده‌اند و به نیرنگ‌های عجیب و غریب متوسل شده‌اند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۳۱۳).

بنابراین تعبیر آیه مورد بحث جز با تفسیر اول (عالم برزخ) تطبیق نمی‌کند، مگر اینکه برای میراندن معنی مجازی در نظر گرفته شود که آن هم بدون قرینه جایز نیست.

به نظر می‌آید این آیه می‌تواند به شکل دیگری تفسیر شود، و آن اینکه برخی از کافران و ظالمان به خاطر شدت ظلمی که بر اولیاء خدا و اهل بیت عصمت روا داشته‌اند، عذابی فراتر از عذاب آخرت بر آنان وارد می‌شود؛ از جمله دوباره زنده شدن، و در برابر پاکان و یاوران اهل بیت عصمت و طهارت خوار و ذلیل شدن، و به بدترین وضع به بند کشیده شدن که به دنبال آن دوباره زجر و سختی مرگ را نیز بچشند. این حالت چنان بر آنان سنگین می‌آید که در عین اعتراف به گنهکاری خود، دوباره بازگشتن به دنیا و مردن را عذابی سخت دیده و از آن نفرت دارند پس این آیه فی نفسه اشاره به مرگ و زندگی دوباره برای همه انسان‌ها ندارد بلکه قرینه آن دعایی است که از زبان حال کافران آمده است، و دیگری ذکر اعتراف به ذنوب و گناهان، که این دو خود حکایت از حالتی خاص برای برخی از مردم یعنی کافران می‌کند.

همچنین برخی استدلال کرده‌اند که این آیه مربوط به رجعت است و در اثبات وجود عالم برزخ نمی‌باشد، که به احتمال قوی این نظر صحیح است؛ زیرا اعتراف برزخی دلیل روشنی ندارد و از طرفی مرگ در برزخ و در عالم برزخ اثبات نشده، و لذا دو اعتراف یعنی اعتراف در روز بعث و اعتراف در روز رجعت با مفهوم اعتراف تناسب بیش‌تر دارد (عارف سیرجانی، ۱۳۸۹: ۵۰).

روایتی از امام باقر(ع) مؤید این مطلب است؛ این آیه مخصوص به پاره‌ای از مردم است که در رجعت زنده می‌شوند، و اعتراف به گناه می‌نمایند و در قیامت نیز اعتراف به گناه می‌کنند (بحرانی، ۱۴۱۶: ۷۴۹).

غیر از آیاتی که چگونگی دلالت آن‌ها را بر وجود عالم برزخ شرح و توضیح داده شد، آیات دیگری نیز بر وجود این عالم دلالت دارد که به سبب رعایت اختصار فقط به ذکر آیه و ترجمه آن بسنده می‌کنیم:

﴿مَّمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا قَدْ خَلُّوا نَارًا أَلْمَلَمَ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا﴾ (نوح/۲۵)

«تا) به سبب گناهان شان غرقه گشتند و (پس از مرگ) در آتشی درآورده شدند و برای خود در برابر خدا یارانی نیافتند».

﴿إِذَا الْأَغْلَالُ فِي أَعْقَابِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ﴾ فِي الْحَوِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿غافر/ ۷۱-۷۲﴾

«هنگامی که غل‌ها در گردن هایشان (افتاده) و (با) زنجیرها کشانیده می‌شوند، در میان جوش آب آنگاه در آتش برافروخته می‌شوند».

﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لِيُؤَاغِبَنِي سَاعَةٌ كَذَلِكَ كَانُوا يُوَفِّكُونَ﴾ (الروم/ ۵۵)
«و روزی که رستاخیز برپا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی (بیش) درنگ نکرده‌اند (در دنیا هم) اینگونه به دروغ کشانیده می‌شدند».

﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (بقره/ ۲۸)

«چگونه خدا را منکرید؟ با آنکه مردگانی بودید و شما را زنده کرد باز شما را می‌میراند (و) باز زنده می‌کند (و) آنگاه به سوی او بازگردانده می‌شوید».

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (نساء/ ۹۷)

«کسانی که بر خویشان ستمکار بوده‌اند، (وقتی) فرشتگان جان‌شان را می‌گیرند، می‌گویند در چه (حال) بودید؟ پاسخ می‌دهند ما در زمین از مستضعفان بودیم. می‌گویند مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟ پس آنان جایگاه‌شان دوزخ است، و (دوزخ) بد سرانجامی است».

﴿وَلِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (طور/ ۴۷)
«و در حقیقت، غیر از این (مجازات)، عذابی (دیگر) برای کسانی که ظلم کرده‌اند خواهد بود، ولی بیش‌ترشان نمی‌دانند (که آن عذاب چیست)».

﴿فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾ ﴿فَرَوْحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّةٌ نَّعِيمٌ﴾ (واقعہ/ ۸۸-۸۹)

«و اما اگر (او) از مقربان باشد، (در) آسایش و راحت و بهشت پرنعمت (خواهد بود)». ﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ﴾ ﴿فَنَزَّلْنَا مِنْ حَمِيمٍ﴾ ﴿وَتَصْلِيَةً جَحِيمٍ﴾ (واقعه/۹۴)

«و اما اگر از دروغزنان گمراه است، پس با آبی جوشان پذیرایی خواهد شد، و (فرجامش) در افتادن به جهنم است».

از مجموع این آیات وجود عالم برزخ (جهانی میان این دنیا و عالم آخرت) تا حد زیادی روشن می‌شود، و به فرض که بعضی از این آیات جای گفت و گو داشته باشد صراحت آیه نخستین، جایی برای تردید نمی‌گذارد؛ بنابراین با اینکه در قرآن شرح زیادی درباره جزئیات عالم برزخ به چشم نمی‌خورد اما اصل وجود این جهان و بخشی از پاداش‌های نیکوکاران و مجازات‌های بدکاران در آن آمده است؛ لذا جهان برزخ تداوم همین حیات دنیایی است که در آن رشد ایمان و کفر معنا می‌دهد؛ دخالت این دنیا در عالم برزخ و یا برعکس قابل تصور است که در حکم آثار باقی‌مانده کسی که می‌میرد در عالم برزخ انعکاس می‌یابد و اثرگذار است.

د. بهشت و جهنم برزخی

از دیدگاه اسلام بهشت و جهنم جایگاه استفاده از نعمت‌های الهی یا رنج‌بردن از عذاب‌های مختلف است؛ که نتیجه اعمال آدمی در دنیا است. از بهشت و جهنم در قرآن و سخنان معصومان (علیهم السلام) بسیار یاد شده، به طوری که می‌توان گفت یک‌پنجم آیات قرآن مربوط به حیات اخروی است، و قسمت اعظمی از سخنان امام علی (ع) در «نهج البلاغه» نیز در این‌باره می‌باشد.

یکی از پیام‌های اصلی همه انبیاء یادآوری آخرت و بهشت و جهنم بوده است، که شاید عامل اصلی مخالفت مردم با انبیاء همین موضوع باشد. در اولین برخورد با این دو نام ذهن انسان متوجه بهشت و جهنم ابدی می‌شود، در حالی که از این کلمات در قرآن معانی دیگری از جمله بهشت و جهنم برزخی فهمیده می‌شود و همین فرق‌نگذاشتن میان این معانی موجب نتیجه‌گیری‌های متفاوت شده است.

بهشت و جهنم برزخی مقدمه‌ای برای بهشت و جهنم قیامت هستند؛ به همین دلیل در راستای قیامت، نعمت‌ها و عذاب‌ها به بدنی غیر از بدن عنصری (بدن مادی و دنیایی) تعلق می‌گیرند؛ بدنی که متناسب با زندگانی برزخی باشد که به اصطلاح متکلمان به آن، بدن یا "قالب مثالی" می‌گویند. بدین ترتیب حقیقت اصلی انسان یعنی روح و نفس پس از مرگ به همراه بدن مثالی، از بهشت یا جهنم برزخی برخوردار می‌گردد؛ پس انسان از همان آغاز ورود به برزخ با کیفر و پاداش اعمال روبه‌رو می‌شود؛ یا اعمال خیر ذخیره کرده که برای او بهشت‌آفرین می‌باشد یا اعمال زشت داشته که زقوم را برایش مهیا کرده‌اند.

امام علی(ع) فرمود: «بین ما و بهشت یا آتش فاصله‌ای نیست جز مرگ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۷۰). پیامبر اکرم(ص) نیز فرمود: «قسم به خداوندی که مرا به حق مبعوث داشت، می‌میرید آنگونه که خواب می‌روید... و بعد از مرگ سرایی جز بهشت و جهنم نیست» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷: ۴۷). یعنی بلافاصله بعد از مرگ انسان وارد خانه و جایگاه بهشتی و جهنمی خود می‌شود، بهشت برزخی برای مؤمن، جهنم برزخی برای کافر.

تفاوت بهشت و جهنم برزخی با بهشت و جهنم در رستاخیز

بین بهشت و جهنم برزخی و بهشت و جهنم رستاخیز، با آنکه هر دو جایگاهی برای رسیدن به پاداش‌ها و عذاب‌هاست، تفاوت‌هایی وجود دارد که به صورت مختصر به مواردی از آن اشاره می‌شود:

الف) بهشت و جهنم برزخی در مُلک و ملکوت، و نزدیک به همین دنیا و به شکلی ادامه زندگی دنیای است. هرچند که نعمت‌ها و عذاب‌های برزخی با نعمت‌ها و عذاب‌های دنیا قابل مقایسه نیست؛ ولی با همین دید با نعمت‌ها و عذاب‌های قیامت هم غیر قابل مقایسه است؛ آنچنان که نیکان با آنکه در نعمات عالم برزخ متنعم‌اند، باز در انتظارند که دوران برزخی آن‌ها به پایان رسیده، به نعمات عظیم و لایتناهی قیامت دست پیدا کنند و مجرمان در حالی که در عذاب‌های برزخی معذب‌اند، از اینکه قیامت برپا گردد و به دوزخ و عذاب‌های قیامت عرضه شوند در هراس‌اند (موسوی اندانی، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

ب) در بهشت و جهنم ابدی، روح با جسمی که تجسم عینی اعمال را تحمل می‌کند، و متناسب با زندگانی ابدی و اخروی است، وارد نعمت‌ها و عذاب‌ها می‌شود؛ ولی در بهشت و جهنم برزخی روح در قالب مثالی موقتی در نعمت و عذاب برزخی قرار می‌گیرد (راجی، ۱۳۸۸: ۸۶).

بدین ترتیب می‌توان گفت بین بهشت و جهنم برزخی، و بهشت و جهنم رستاخیز تفاوت وجود دارد، که برخی از انسان‌ها با توجه به اعمال صالح‌شان در آن متنعم‌اند و انتظار وقوع قیامت را می‌کشند؛ در مقابل برخی به علت اینکه عمری را به غفلت و لغزش سپری کرده‌اند در پناه آتش برزخی از خوف رسیدن قیامت و برپایی جهنم موعود آرزو می‌کنند که هرگز قیامت برپا نشود.

نتیجه بحث

به‌طور معمول انسان‌ها می‌پندارند که مرگ عامل انتقال به عالمی ظلمانی و بسیار تاریک است، عالمی که همه چیز با آن پایان می‌گیرد و خاتمه همه آرزوها و تلاش‌ها و کوشش‌های انسان است؛ با این حال جای تعجب نیست که از بیم مرگ بر خود بلرزند و اندیشه آن شهید شیرین زندگانی را در کام‌شان تلخ‌تر از زهر کنند، و مرگ در چنین پنداری معدوم‌شدن انسان را رقم می‌زند.

اگر مرگ پایان همه چیز باشد زندگی این جهان، که مجموعه‌ای از کارهایی است که در ظاهر شباهت به هم می‌دهد ولی می‌تواند در حقیقت با هم بسیار متفاوت باشد، نمی‌تواند به عنوان "هدف والا" روح انسانی را سیراب کند. گرچه نام مرگ برای بسیاری هول‌انگیز و وحشتناک است ولی در جهان بینی اسلامی این موضوع چهره دیگری دارد. بدین ترتیب برای رسیدن به بینشی صحیح نسبت به مسئله مرگ و عوالم پس از مرگ مراجعه به آیات قرآن و روایات معصومان (علیهم السلام) ضروری می‌باشد. از نگاه قرآن کریم مرگ انتقال روح و نفس از عالم طبیعت به عالمی دیگر و بازگشت آن به سوی خداوند است (توحیدی فر، مطالعات ادبیات تطبیقی: ۲۸-۱۱).

انسان بعد از مرگ از عالم برزخ که واسطه بین دنیا و قیامت است، با مرگ آغاز و با برپایی رستاخیز پایان می‌پذیرد، گذر می‌کند و در بهشت برزخی و یا جهنم برزخی اقامت می‌کند. حال که

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن فارس، ابوالحسین. ۱۴۰۴هـ.ق. **معجم مقاییس اللغة**. بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی.
- الوسی، محمود. ۱۴۱۵هـ.ق. **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- بحرانی، هاشم. ۱۴۱۶هـ.ق. **البرهان فی تفسیر القرآن**. تهران: بنیاد بعثت.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. ۱۴۰۴هـ.ق. **صحاح اللغة**. چاپ سوم. بیروت: دارالعلم.
- حویزی، عبدالعلی. ۱۴۱۵هـ.ق. **تفسیر نور الثقلین**. قم: موسسه مطبوعات اسماعیلیان.
- راجی، علی. ۱۳۸۸هـ.ش. **ابعاد تربیتی معاد(جهان پس از مرگ)**. زائر آستان مقدس.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲هـ.ق. **المفردات فی غریب القرآن**. بیروت: دارالعلم و الدار الشامیة.
- سبحانی، جعفر. بی تا. **الحیة البرزخیة**. قم: معاونیة التعلیم و البحوث الاسلامیة.
- سورآبادی، عتیق بن محمد. ۱۳۸۰هـ.ش. **تفسیر سورآبادی**. تهران: فرهنگ نشر نو.
- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم. ۱۴۱۲هـ.ق. **فی ظلال القرآن**. بیروت: دار الشروق.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۴۱۷هـ.ق. **المیزان**. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲هـ.ش. **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصرخسرو.
- طریحی، فخرالدین. ۱۳۷۵هـ.ش. **مجمع البحرین**. چاپ سوم. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- عارف سیرجانی، علی اکبر. ۳۸۹هـ.ش. **جهان ارواح از دیدگاه قرآن و روایات**. بی جا: اندیشه مولانا.
- فیض کاشانی، محمد محسن. ۱۴۱۷هـ.ق. **المحجة البيضاء**. بی جا: دفتر انتشارات اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم. ۱۳۶۷هـ.ش. **تفسیر قمی**. قم: دارالکتب.
- کلینی، محمدبن یعقوب. ۱۳۶۵هـ.ش. **الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- لاهیجی، محمدبن علی. ۱۳۷۳هـ.ش. **تفسیر شریف لاهیجی**. تهران: داد.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۴هـ.ق. **بحار الانوار**. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی اشتهاردی، محمد. ۱۳۷۱هـ.ش. **عالم برزخ در چند قدمی ما**. بی جا: نبوی.
- مظاهری، محمد. ۱۳۸۸هـ.ش. **انسان در عالم برزخ**. بی جا: دار الفکر.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. ۱۳۷۴هـ.ش. **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیة.

موسوی اندانی، محمد. ۱۳۸۴ هـ.ش. روزی دیگر (برزخ و معاد از دیدگاه قرآن و روایات). اصفهان. بوستان فدک.

مقالات

توحیدی فر، نرجس. «بررسی تطبیقی «رسالة الغفران»، «کمدی الهی» و «آفرینگان»». فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی. دانشگاه آزاد جیرفت. دوره ۵. شماره ۱۹. تابستان ۱۳۹۰. صص ۱۱-۲۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی